



تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر باستان

بهرروز رفیعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۲

رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶ -
تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر باستان / بهروز رفیعی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
۳۲۶ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۸۴: علوم تربیتی؛ ۶۵)
بها: ۱۹۶۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۸۷]-۳۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. آموزش و پرورش -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام. ۲. To 633 -- Iran -- History -- Education.
۳. ایران -- تمدن -- پیش از اسلام. ۴. Iran -- Civilization -- To 633. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
LA۱۳۵۱ ۳۷۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی
۹۰۶۶۷۱۱



تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر باستان

مؤلف: بهروز رفیعی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۹۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۵۱-۷

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱. ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نامبر: ۳۲۱۱۱۳۰۰

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

http://rihu.ac.ir/fa/book فروشگاه اینترنتی:

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و رشته تاریخ ایران باستان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت ارتقای کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم، آقای بهروز رفیعی و نیز از زنده‌یاد آقای دکتر ناصر تکمیل همایون و آقای دکتر حسین شانه‌چی که با ارزیابی و ارائه نظرات اصلاحی بر غنای اثر افزودند، سپاسگزاری کند.

چهار

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

بخش اول: آموزش و پرورش در ایران عصر زرتشت فصل اول: زرتشت، کتاب و آیین او

گفتار اول: زرتشت..... ۱۱
گفتار دوم: کتاب زرتشت..... ۱۶
گفتار سوم: آیین زرتشت..... ۲۴

فصل دوم: تربیت در آیین زرتشت

گفتار اول: ضرورت و اهمیت تربیت از نگاه زرتشت..... ۳۱
گفتار دوم: اهداف تربیت در آیین زرتشت..... ۳۳
گفتار سوم: مواد آموزشی اوستایی..... ۳۷
گفتار چهارم: آموزش دختران در نظام تربیتی اوستایی..... ۳۷
گفتار پنجم: معلم در نظام تربیتی اوستایی..... ۳۹
گفتار ششم: مکان‌های آموزشی در نظام تربیتی اوستایی..... ۴۲
گفتار هفتم: سن و مراحل تحصیل در نظام تربیتی اوستایی..... ۴۲
گفتار هشتم: طبقاتی بودن آموزش در نظام تربیتی اوستایی..... ۴۲
گفتار نهم: ایام و ساعات تحصیل و امتحان از محصلان در نظام تربیتی اوستایی..... ۴۴
گفتار دهم: زبان و خط در نظام آموزشی اوستایی..... ۴۴

بخش دوم: آموزش و پرورش در دوره مادها فصل اول: دربارهٔ ماد و مادها

گفتار اول: آمدن مادها به ایران..... ۵۱
گفتار دوم: طلوع و غروب دولت مادها..... ۵۲

پنج

فصل دوم: تمدن، فرهنگ و آیین مادها

- گفتار اول: تمدن مادها..... ۵۵
گفتار دوم: فرهنگ مادها..... ۵۷
گفتار سوم: آیین مادها..... ۵۸
گفتار چهارم: گروه‌بندی جامعه انسانی در ایران عهد مادها..... ۶۰

فصل سوم: آموزش و پرورش در ایران عصر مادها

- گفتار اول: سکوت نسبی تاریخ درباره آموزش و پرورش عصر مادها..... ۶۳
گفتار دوم: نهاد آموزشی..... ۶۴
گفتار سوم: گونه‌های آموزش..... ۶۴

بخش سوم: آموزش و پرورش در ایران عصر هخامنشیان فصل اول: درباره هخامنشیان

- گفتار اول: طلوع و غروب هخامنشیان..... ۷۱
گفتار دوم: وضع مردم در ایران عصر هخامنشی..... ۷۵
گفتار سوم: طبقات اجتماعی در عصر هخامنشی..... ۷۷

فصل دوم: آیین، فرهنگ، تمدن و دانش در عصر هخامنشیان

- گفتار اول: آیین هخامنشیان..... ۷۹
گفتار دوم: فرهنگ و تمدن هخامنشیان..... ۸۳
گفتار سوم: دانش..... ۸۴
گفتار چهارم: هنر و صنعت و موسیقی..... ۸۸
گفتار پنجم: خط و زبان..... ۹۲

فصل سوم: آموزش و پرورش در ایران عصر هخامنشی

- گفتار اول: آموزش و پرورش غیر رسمی..... ۹۵
گفتار دوم: قلمرو آموزش و پرورش هخامنشیان..... ۹۶
گفتار سوم: آموزش و پرورش رسمی..... ۹۸
گفتار چهارم: هدف آموزش و پرورش رسمی..... ۱۰۰
گفتار پنجم: سن و مراحل آموزش و پرورش..... ۱۰۰
گفتار ششم: معلم در نظام آموزشی عصر هخامنشی..... ۱۰۲
گفتار هفتم: گروه‌های آموزشی..... ۱۰۳
گفتار هشتم: روش‌های آموزشی..... ۱۰۳
گفتار نهم: برنامه و مواد آموزشی..... ۱۰۴

شش

گفتار دهم: وسائل آموزشی.....	۱۰۹
گفتار یازدهم: آموزش عمومی.....	۱۰۹
گفتار دوازدهم: طبقاتی بودن آموزش در عصر هخامنشی.....	۱۱۱
گفتار دوازدهم: آموزش و تربیت دختران در عصر هخامنشی.....	۱۱۲
گفتار سیزدهم: آموزش نظامی.....	۱۱۳
گفتار چهاردهم: آموزش فنی و هنری.....	۱۱۴

فصل چهارم: مراکز و نهادهای آموزشی در عصر هخامنشیان

گفتار اول: الویترا.....	۱۱۷
گفتار دوم: مراکز آموزش عالی و بیمارستان.....	۱۱۹
گفتار سوم: کتاب و کتابخانه و مجامع علمی.....	۱۲۱

بخش چهارم: آموزش و پرورش در دوره سلوکیان و اشکانیان

فصل اول: سلوکیان

گفتار اول: از برآمدن تا برافتادن سلوکیان.....	۱۲۷
گفتار دوم: آموزش و پرورش در دوره سلوکیان.....	۱۳۰
گفتار سوم: زبان و خط در عصر سلوکی.....	۱۳۰
گفتار چهارم: مراکز آموزشی در عصر سلوکی.....	۱۳۲

فصل دوم: اشکانیان

گفتار اول: طلوع و غروب اشکانیان.....	۱۳۵
گفتار دوم: دین در عصر اشکانی.....	۱۳۹
گفتار سوم: هنر در عصر اشکانی.....	۱۴۰
گفتار چهارم: ادبیات عصر اشکانی.....	۱۴۱
گفتار پنجم: خط و زبان عصر اشکانی.....	۱۴۳
گفتار ششم: علم عصر اشکانی.....	۱۴۴
گفتار هفتم: آموزش و پرورش در عصر اشکانیان.....	۱۴۵
گفتار هشتم: آموزش شاهزادگان و اشرافزادگان.....	۱۴۶
گفتار نهم: مواد و برنامه آموزشی عصر اشکانی.....	۱۴۷
گفتار دهم: روش‌های آموزشی عصر اشکانی.....	۱۴۷
گفتار یازدهم: ابزار نگارش در عصر اشکانی.....	۱۴۸

هفت

بخش پنجم: آموزش و پرورش در ایران عصر ساسانی فصل اول: طلوع و غروب ساسانیان

فصل دوم: وضع کلی مردم و جامعه در عصر ساسانیان

- گفتار اول: وضع عمومی مردم..... ۱۵۹
گفتار دوم: طبقات اجتماعی در ایران عصر ساسانی..... ۱۶۱

فصل سوم: آیین، فرهنگ و تمدن ساسانیان

- گفتار اول: آیین ساسانیان..... ۱۷۳
گفتار دوم: اقلیت‌های مذهبی در عصر ساسانیان..... ۱۷۶
گفتار سوم: فرهنگ و تمدن ساسانیان..... ۱۸۶
گفتار چهارم: علوم و فلسفه..... ۱۸۷
گفتار پنجم: زبان و خط و ادبیات..... ۱۹۶
گفتار ششم: هنر و صنعت و موسیقی..... ۱۹۹

فصل چهارم: آموزش و پرورش در ایران عصر ساسانی

- نمایی کلی..... ۲۰۵
گفتار اول: اشارات متون پهلوی عصر ساسانی بر لزوم آموزش و پرورش..... ۲۰۶
گفتار دوم: آموزش و پرورش عمومی..... ۲۰۹
گفتار سوم: آموزش و پرورش خواص..... ۲۱۴
گفتار چهارم: سن و مراحل آموزش..... ۲۲۵
گفتار پنجم: خانواده و مراحل تربیت کودک..... ۲۲۶
گفتار ششم: آموزش و تربیت دختران..... ۲۲۹
گفتار هفتم: معلم (اندرزید، هیریزد، آموزگار اسواران)..... ۲۳۴
گفتار هشتم: روش‌های آموزشی..... ۲۳۵
گفتار نهم: برنامه و مواد آموزشی..... ۲۳۵
گفتار دهم: آموزش فنی و هنری..... ۲۳۸
گفتار یازدهم: وسائل آموزشی..... ۲۴۰

فصل پنجم: مراکز و نهادهای آموزشی عصر ساسانی

- گفتار اول: مراکز و نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی..... ۲۴۳
مراکز آموزشی غیر رسمی..... ۲۴۴
مراکز آموزشی رسمی..... ۲۴۵
جندی‌شاپور، سرآمد مراکز آموزش عالی عصر ساسانی..... ۲۵۴

هشت

۲۵۸	مواد آموزشی و حوزه‌های پژوهشی جندی شاپور.....
۲۶۴	قوانین و ساختار اداری و آموزشی جندی شاپور.....
۲۶۶	نهادهای علمی تابع جندی شاپور.....
۲۶۸	گفتار دوم: دیگر مراکز آموزش عالی.....
۲۶۸	دارالعلم‌ها.....
۲۶۹	گفتار سوم: مراکز کمتر شناخته شده.....
۲۶۹	گفتار چهارم: کتابخانه.....
۲۷۲	گفتار پنجم: اشارتی بر شماری از آثار عملی و ادبی در ایران عصر ساسانی.....
۲۸۳	خلاصه و نتیجه.....
۲۸۷	کتابنامه

إن لكم فى القرون السالفة لعبرة

(نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

مقدمه

تاریخ، مفهومی انتزاعی است که باری در دو معنا به کار می‌رود: یکی، آنچه در گذشته رخ داده است؛ و دیگری، دانش بشر به آن رخدادها که ثبت و ضبط شده‌اند؛^۱ به دیگر سخن، واژه تاریخ، هم به روند حوادث گذشته، و هم به علم به این جریان اطلاق می‌شود.^۲ سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م)، تاریخ را به مفهوم معرفت دانسته است. هرودت (۴۸۴-۴۲۵ ق.م)، تاریخ را مطالعه و واکاوی روزگاران گذشته خوانده است.^۳ ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) معتقد است که تاریخ یعنی گردآوری اسناد و مدارک. امروزه تاریخ به علمی اطلاق می‌شود که احوال و تحولات گوناگون و پی‌درپی امور را وافی کاود، خواه این امور مادی باشند و خواه معنوی.^۴ تاریخ در زندگی جامعه، تأثیری تربیتی دارد و چونان معلم عقل و احساس عمل می‌کند. آگاهی‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین مکمل‌های فرهنگ اجتماعی است و با نبود این مکمل، آموزش و پرورش آدمی نمی‌تواند کامل شود. هر نظام آموزشی که در پی تدوین برنامه آموزشی کاملی برای فراگیران است، باید ماده درسی تاریخ را در برنامه و مواد آموزشی خود بگنجانند. به

۱. یروفه یف، تاریخ چیست؟، ترجمه محمد تقی‌زاده، ص ۳؛ استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، ص ۳۵-۳۶.

۲. کاردان، «وضع کنونی تاریخ آموزش و پرورش»، مندرج در علوم تربیتی: ماهیت و قلمرو آن، جمعی از نویسندگان، ص ۳۱.

۳. لوکاس، تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص ۷.

۴. صلیبا، المعجم الفلسفی بالالفاظ العربیة والفرنسیة والانکلیزیة والایتینیة، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸.

این ترتیب، برای نمونه، لازم است دانشجویان پزشکی، سازوار با ضرورتی معرفت‌شناختی، دست‌کم از تاریخ رشته تحصیلی خود در کشورشان آگاه باشند. مطالعه تاریخ، ویژگی‌هایی به عقل‌ارزانی می‌دارد که از مطالعه دیگر امور فراچنگ نمی‌آید. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، درک پدیده‌ها از منظر تاریخی است؛ یعنی درک و دریافت غیرکورکورانه و نقادانه رخدادهای گوناگون گذشته. آموزش تاریخ می‌تواند گستره دید تاریخ‌آموز را به محیط، فزونی بخشد و به او توانایی دهد بیگانه و آشنا را درست درک و دریافت کند.^۱

تاریخ آموزش و پرورش، چونان علم، تا عصر نوزایی در اروپا وجود نداشته است. از این دوره و با آغاز جنبش انسان‌گرایی (اومانیزم)^۲ در اروپا، اندک‌اندک به اهمیت مطالعه تاریخ آموزش و پرورش پی می‌برند؛ طلیعه این آگاهی در آثار نویسندگان سده‌های ۱۶ تا ۱۸ مانند: اراسم،^۳ رابله،^۴ مونتنی،^۵ روسو^۶ دیده می‌شود. اینان در نگاه‌های خویش برای اثبات دیدگاه انسان‌گرایانه خود، به گذشته (تاریخ) آموزش و پرورش اقوام و ملل باستان خاصه یونانیان و رومیان اشاره و استناد می‌کنند. تا این دوره، هنوز آثار جداگانه‌ای درباره تاریخ آموزش و پرورش نگاشته نشده است. از نیمه دوم قرن نوزدهم، رفته‌رفته تک‌نگاشت‌هایی مستقل درباره تاریخ آموزش و پرورش در غرب نوشته و منتشر می‌شود. گویا کریستین شوارتز^۷ آلمانی نخستین کسی است که در قرن نوزدهم کتابی جامع درباره تاریخ آموزش و پرورش می‌نگارد.^۸

در ایران، تنها در ۸۰، ۹۰ سال گذشته، به مطالعه و تدریس تاریخ آموزش و پرورش توجه تدریجی شده است. محبوبی اردکانی اشاره کرده است که از سال ۱۲۹۷ هجری شمسی با تأسیس دارالمعلمین مرکزی در تهران، تاریخ آموزش و پرورش ایران و غرب در برنامه آموزشی تربیت معلم قرار گرفت.^۹ عیسی صدیق اشاره کرده است که در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی،

۱. یروفه یف، تاریخ چیست؟، ص ۱۸۹.

2. Humanism

3. Erasm

4. Rabelais

5. Montaigne

6. Rousseau

7. Christine Schwartz

۸. مدلین، تاریخ آراء تربیتی در غرب، ترجمه فریدون بازرگان، ص ۴-۵.

۹. محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص ۴۱۷.

تدریس تاریخ آموزش و پرورش را در دانشسرای عالی گردن نهاد. اسدالله بیژن در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی کتاب چشم انداز تربیت در ایران پیش از اسلام، و در سال ۱۳۱۶ کتاب سیر تمدن و تربیت در ایران باستان را منتشر کرد. کتاب بیژن نخستین تک‌نگاشت در حوزه تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان است. عیسی صدیق در سال ۱۳۱۶ برآمد مطالعات خود را درباره تاریخ آموزش و پرورش، در قالب کتاب تاریخ مختصر تعلیم و تربیت^۱ منتشر کرده است. کتاب عیسی صدیق نخستین تک‌نگاشت درباره تاریخ آموزش و پرورش ایران و غرب در ایران است. صدیق در سال ۱۳۳۶ کتاب تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر را منتشر کرد. این اثر در حوزه تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت قرار دارد. در همین سال کتاب تاریخ و دورنمای آینده نظام آموزش و پرورش از علی محمد کاردان به چاپ رسید.^۲ در سال ۱۳۵۰ کتاب آموزش و پرورش در ایران باستان از علیرضا حکمت راهی بازار نشر شد. در همین سال، مدرسه عالی پارس، کتاب تربیت ایرانیان در شاهنشاهی دوران پیش از اسلام، اثر مسعود رضوی را منتشر کرد. در سال ۱۳۵۱ دانشسرای عالی، کتاب تاریخ آموزش و پرورش، نوشته مصطفی عسگریان را چاپ کرد. وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۳ کتاب تاریخ آموزش و پرورش سال اول دانشسرای عالی، نگاشته محمدعلی طوسی را منتشر کرد. در سال ۱۳۵۴ کتاب تاریخ آموزش و پرورش ابراهیم کظیمی به بازار نشر آمد، این کتاب درباره آموزش و پرورش غرب است. در همین سال، کتاب تاریخ آموزش و پرورش باختر که ترجمه و تألیف محمدعلی طوسی بود، چاپ و منتشر شد. در سال ۱۳۵۶ دانشسرای عالی یزد، کتاب مختصری از تاریخ آموزش و پرورش شرق و غرب را به قلم جلیل بهارستان به چاپ رساند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، درباره تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، چندین رساله دانشجویی نگارش یافته و کمابیش ۲۰ عنوان کتاب اعم از نگارش و ترجمه در این باره به چاپ رسیده است.

کتاب پیش رو، جلد نخست از مجموعه‌ای ۱۰ جلدی درباره تاریخ تعلیم و تربیت در ایران است که این قلم‌زن تا کنون توفیق یافته است ۹ جلد آن را قلمی سازد.^۳ کتاب حاضر خرده

۱. در سال ۱۳۱۹ چاپ سوم این اثر با عنوان تاریخ مختصر آموزش و پرورش به بازار کتاب آمد.
 ۲. کاردان، «وضع کنونی تاریخ آموزش و پرورش»، مندرج در علوم تربیتی: ماهیت و قلمرو آن، جمعی از نویسندگان، ص ۳۷-۳۸.
 ۳. عناوین این مجموعه به شرح در پی است: ۱. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر باستان؛ ۲. تاریخ تعلیم و تربیت اقلیت‌های توحیدی در ایران عصر ساسانی (بهود و ترسایان)؛ ۳. سیر تحول تاریخ تعلیم و تربیت در

پژوهشی است درباره تاریخ آموزش و پرورش در ایران عصر باستان. این اثر در پنج فصل به سامان شده است: فصل نخست، درباره تاریخ آموزش و پرورش در آیین زرتشت است. در فصل دوم، به تاریخ آموزش و پرورش در عصر مادها نظر شده است. فصل سوم، به شرح و بسط تاریخ آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان پرداخته است. در فصل چهارم، سخن بر سر تاریخ آموزش و پرورش در عصر سلوکیان و اشکانیان است. تاریخ آموزش و پرورش ایران عصر ساسانیان در فصل پنجم واکاوی شده است.

از آنجاکه آموزش و پرورش نمی‌تواند گسسته از تحولات مثبت یا منفی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، رشد مثبت یا منفی یابد، شایسته بل لازم است در شرح و شکافت هر دوره از تاریخ، تا اندازه‌ای به تحولات یادشده در آن دوره نیز پرداخته شود؛ حتی اگر نتوان یا نخواست از تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم این تحولات در آموزش و پرورش سخن گفت؛ باری اشاره به این تحولات بایسته می‌نماید؛ از این‌رو، و با پرهیز جدی از درازگویی، کوشش شده است در هر فصل، اندکی به این دست تحولات اشاره شود.

نگارنده در فرایند تحقیق و تحریر این اثر، ضمن استفاده از آنچه دیگران در این حوزه نگاشته‌اند، کوشیده است از آثار و منابع دست‌اول و معتبر استفاده کند و بدان‌ها استناد جوید. نیز وی پاییده است در این اثر به ایرانی‌گرایی تن ندهد و از گرفتار شدن در ورطه تعصبات ملی و تاریخی تن زند. در فرجام سخن بر خود فرض می‌دانم از استاد معظم جناب آقای دکتر ناصر تکمیل‌همایون (که خدایش همواره یار باد) یاد کنم و به محضرشان سپاس گویم؛ زیرا از سر مهر، همه زیر و بالای این اثر و از آغاز تا انجام آن را چنان‌که سزاست، ریزکاوانه به محک دانش و تجربت خویش سخته و بارها نگارنده را به اصلاح کار رهنمون ساخته است. نیز بر این قلم است که مراتب سپاس خویش را خدمت استاد محترم جناب آقای دکتر حسن حسین‌زاده شانه‌چی که از سر لطف، ارزیابی این وجیزه را گردن نهادند، تقدیم دارد.

بهرروز رفیعی

۱۴۰۰/۱/۳۱

ایران؛ ۴. تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در ایران از ورود اسلام تا برآمدن صفویان، ۵. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر اموی تا غزنویان؛ ۶. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر سلجوقی و خوارزمشاهی؛ ۷. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر ایلخانی و تیموری؛ ۸. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر صفوی؛ ۹. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر قاجار؛ ۱۰. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر پهلوی.

بخش اول

آموزش و پرورش در
ایران عصر زرتشت

آموزش و پرورش به شیوه‌های کهن، غیر عمدی، عمدی و رسمی، پیدا و پنهان، پیش از درآمدن آریایی‌ها به سرزمینی که بعدها ایران خوانده شد، وجود داشته است. جغرافیای طبیعی خاص این سرزمین و برخوردهای گوناگون کانون‌های قدرت در درون و برون مرزهای حکومتی و نیمه حکومتی، دگرگونی در آرمان‌ها، آداب، رسوم و فرهنگ جامعه و نیز تماس‌ها و ادغام‌های درونی ساکنان سرزمین یادشده، به پیدایش نظام و در نتیجه، نهادهایی جوراجور و سازوار با روح آن عصر انجامید. برای نمونه، آورده‌اند که در اساطیر ایران، پیشدادیان نخستین سلسله شاهانی بودند که بر جهان فرمان‌روایی کردند و تعالیم و نهادهایی پی نهادند.^۱ امروزه از این تعالیم و نهادها چیزی مکتوب یا سند و مدرکی باستان‌شناختی در دست نیست تا برساند که این تعالیم چه ماهیتی داشته و از چه راهی از نسلی به نسل دیگر آموزش داده می‌شده است. قدر مسلم و طبیعی امر آن است که ساکنان این سرزمین، میراث نیاکان خود را در زمینه‌های مادی و غیرمادی فراگرفتند و آنها را با روح حاکم بر عصر خویش سازواری بخشیدند و در روندی فرارونده، زمینه انتقال آنها را به نسل‌های پسین فراهم ساختند؛^۲ اما از آنجاکه لازمه منطقی و هستی‌شناختی و روش‌شناختی آموزش از راه خواندن و نوشتن، دست‌کم وجود خط و نگارش است (مقوله‌ای که گویا در ایران پیش از ایلامیان و زرتشت و کوچ احتمالی آریایی‌ها،^۳ در این

۱. ولایتی، تاریخ کهن و معاصر ایران زمین ۱/ ایران پیش از اسلام، ص ۶۶.

۲. تکمیل همایون، آموزش و پرورش در ایران، از این چه می‌دانیم؟ ۷۰/۱، ص ۷.

۳. هنوز به شکل علمی ثابت نشده است که آریایی‌ها از شمال به سوی فلات ایران کوچ کرده باشند و در این باره دیدگاهی مخالف نیز وجود دارد که قول نخست را بر ساخته می‌داند و معتقد است کوچ از ناحیه جنوب ایران و خلیج فارس به سوی شمال بوده و حقیقت آن است که موطن نژاد آریایی در اصل جنوب ایران بوده و فلات ایران خاستگاه قوم آریایی بوده است. بنگرید: درخشانی، دانشنامه کاشان: آریاییان، مردم کاشی، آفرد، پارس و دیگر آریاییان (ج ۳ و ۴).

سرزمین وجود نداشته یا دست کم وجودش هنوز به اثبات نرسیده است)، فرایند انتقال، مانند هر سرزمینی دیگر، از راهی غیر از خواندن و نوشتن، که نخستین مفهوم تعلیم و تربیت مصطلح است؛ یعنی از راه سنت آموزش شفاهی رخ می‌داده است؛ بنابراین و از آنجاکه هیچ اثر، مدرک یا سندی وجود ندارد که نشان دهد در میان مردمان سرزمینی که بعدها ایران خوانده شد، آموزش از راه خواندن و نوشتن وجود داشته است، نمی‌توان درباره آموزش و پرورش رسمی (در مقابل آموزش و پرورش غیررسمی، غیرعمدی، پنهان، طبیعی) آن دوره این دیار سخنی مقرون به صواب گفت.

امروزه حتی می‌دانیم که ایلامی‌هایی که پیش از آریایی‌ها در ایران ساکن بودند، گونه‌ای خط و نگارش داشتند که به خط پروتو-ایلامی شهره است. گِل‌نوشته‌هایی به خط پروتو-ایلامی که از دوران آغازایلامی در شوش و تپه‌های باستانی یحیی و ملیان و سیلک و شهر سوخته در زابل به دست آمده است نشان می‌دهد که ایرانیان پیش از آریایی‌ها در این مناطق، مسائل مالی و اقتصادی خود را بر قطعه‌های گلین دست‌ساز ثبت می‌کردند.^۱ نیز از آثار تمدنی کشف‌شده در شهر سوخته، مانند، چشم مصنوعی، خط‌کشی به طول ۱۰ سانتی‌متر با دقت نیم میلی‌متری از جنس آبنوس (که نشان می‌دهد ساکنان این شهر باستانی در پنج هزار سال پیش، پیشرفت‌هایی فراوان در زمینه ریاضیات داشته‌اند)، سفال با امضای سفالگر بر روی آن، چکش، سوزن، سنجاق سر زنانه، شهرک‌های مسکونی و ساختمان‌های همگانی، و نیز بذر خربزه، حبوبات، ماهی خشک‌کرده، برنج، زیره، کوره‌های سفالگری، کوره‌های ذوب فلزات، دکمه، تبر، بندکفش، قلاب، شانه سر، طناب، سبد، گل‌مُو، قاب‌های چوبی، کفش و کمر بند^۲ جملگی از نشانه‌های زندگی در شهری پیشرفته است که کمابیش ده درصد از مردمش دامدار، و پیشه‌نود درصد از ساکنان آن کشاورزی و صنعتگری و شغل‌های دیگر بوده است؛^۳ شاید دور از باور نباشد اگر گفته شود در چنین شهری، گذشته از آموزش و پرورش پنهان و غیرعمدی، آموزش و

۱. سیدسجادی، «گِل‌نوشته دوران آغاز ایلامی شهر سوخته»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه تاریخ و علوم اجتماعی، شماره ۱۵، شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۳۹.

۲. «شهر سوخته؛ تمدنی کهن غرق در شگفتی‌های ناشناخته» گفت‌وگو با سیدمنصور سیدسجادی، خبرگزاری جمهوری اسلامی (news. www.irna.ir)، ۲۸ فروردین، سال ۱۳۸۹، ص ۱، شناسه خبر ۸۳۲۵۶۳۸۶.

سیدسجادی، شهر سوخته-از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۰۲، ص ۳۷-۶۰.

۳. شهر سوخته-از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۰۲، ص ۸۷.

پرورش رسمی هم دست‌کم به شکلی محدود و در میان گروه‌های فرادست جامعه وجود داشته است؛ اما از چنین آموزش و پرورشی در این شهر هیچ سندی در دست نیست؛ البته این بدان معنا نیست که در میان آنان آموزش از راه خواندن و نوشتن وجود نداشته است؛ بلکه بدین مفهوم است که دربارهٔ تعلیم و تربیت رسمی آنان نمی‌توان داورى یا اظهارنظر کرد؛ درست برخلاف ساکنان میان‌رودان که از آنان اسناد و مدارکی باستان‌شناختی در دست است که می‌رساند در میان دست‌کم بخشی از بابلیان و سومریان، گونه‌ای آموزش رسمی وجود داشته است.^۱ همسایگی ایلامیان خاصه در غرب ایران با میان‌رودان، اقتضا می‌کند دست‌کم امروزه بتوان از تعلیم و تربیت رسمی و مبتنی بر خواندن و نوشتن در سلسلهٔ سوم به بعد ایلامیان – که خط و نگارش و ادبیات داشته‌اند – سخن گفت؛ اما از آنجاکه هنوز هیچ سند و مدرکی در این باره کشف نشده است در این باره نیز نمی‌توان حرفی زد.^۲ درست برعکس سومریان که در هر شهری مدرسه‌ها داشته‌اند؛ البته آموزش در آنها در اختیار عموم نبوده و نظام آموزشی، طبقاتی بوده است.^۳

از منتفی بودن گفت‌وگفتار دربارهٔ تعلیم و تربیت رسمی یا دست‌کم معطوف به خواندن و نوشتن در ایران آن دوران که بگذریم، از سنت آموزش شفاهی در میان ایرانیان پیش از زرتشت و کوچ آریایی‌ها هم نمی‌توان داد سخن داد؛ زیرا در این باره نیز هنوز هیچ سند، مدرک یا شاهی تاریخی کشف نشده است تا عصای دست تاریخ‌پژوهان به‌طور عام و پژوهندگان تاریخ آموزش و پرورش به شکل خاص شود تا به یمن آن، بازکاوی حقیقت و چند و چون و شکل و شیوهٔ سنت آموزش شفاهی آن عصر ایران را پی بگیرند؛ بنابراین، راه پژوهش در این زمینه همچنان بسته است؛ از این‌رو و ناگزیر کاوش در تاریخ آموزش و پرورش ایران باستان را باید از عصر زرتشت نبی سرگرفت.

-
۱. کریم، الواح سومری، ترجمهٔ داوود رسایی، ص ۱-۴؛ محمدی، «ایران ۷۰۰۰ ساله: نخستین مدارس در ایران باستان»، فردوسی، ۱۳۸۹، شمارهٔ ۸۲-۸۳، ص ۹۱-۹۳.
 ۲. تکمیل همایون، نظام و نهادهای آموزشی ایران در باستان، ص ۴۴.
 ۳. الواح سومری، ص ۳۰۴.

فصل اول

زرتشت، کتاب و آیین او

از آنجاکه واکاوی در نظام آموزش و پرورش هر جامعه‌ای، خواه‌ناخواه، بازسته به روشن بودن تاریخ و فرهنگ و باورهای آن جامعه از یک سو، و آشنایی با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن جامعه از سوی دیگر است؛ لازم می‌نماید در حد توش و توان خویش و سازوار با یافته‌های تاریخی، آن‌مایه که زمینه بحث اقتضا می‌کند، نخست به بازشکافت اندک و منطقی مفاهیم پی‌نهادی یادشده در هر برهه و مقطع تاریخی (در این اثر هر سلسله حکومتی) پرداخت؛^۱ آنگاه به بازوسط تاریخ آموزش و پرورش آن برهه و مقطع از تاریخ این سرزمین روی آورد.

گفتار اول: زرتشت

اشوزرتشت، تنها پیامبر ایرانی و یکی از چند پیامبر بزرگ و اثرگذار تاریخ است. ظهور زرتشت را از جهاتی مهم‌ترین و اثرگذارترین رخداد در تاریخ ایران پیش از اسلام دانسته‌اند؛ زیرا آیینی که زرتشت آورد در حوزه فرهنگ، اخلاق، سیاست، حکومت و دولت، اقتصاد، گروه‌های اجتماعی، حقوق و نقش زنان، هنر و ادب، علوم و فنون، روابط بین‌الملل و در نهایت، خلق و خوی ایرانیان، سخت اثر نهاد. این تأثیر به‌ویژه در عصر ساسانیان پررنگ‌تر بوده است.^۲ تا کنون، مصلحی دیده نشده است که از نظر تاریخ، وجودش رازناک‌تر از زرتشت بوده

۱. تکمیل‌همایون، نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، ص ۱۶؛ تکمیل‌همایون، آموزش در ایران، از ایران چه می‌دانم؟، ۷۰، ص ۱۰.

۲. یوسفی، ایران در روزگاران پیش از اسلام، ج ۱، ص ۸۹.

باشد؛ چنان‌که تاریخ و محل زادن او نامعلوم است و از وقایع زندگی او اطلاعی دقیق در دست نیست.^۱ در تاریخ معلوم نشده است که زرتشت^۲ از بومیان ایران است یا از مهاجران آریایی است که به ایران کوچ کردند (به فرض صحت فرضیه کوچ آریایی‌ها به فلات ایران). برخی از اهل تحقیق، وی را اهل ماد و از طبقه مُغان دانسته‌اند؛^۳ اما شماری دیگر از محققان، زرتشت را اصولاً ایرانی نمی‌دانند و معتقدند وی آریایی است و قرن‌ها پیش از تشکیل حکومت مادها و پارس‌ها زیسته و هرگز به ایران مادی یا پارسی نیامده است.^۴ چنان‌که اشاره شد، زمان زادن زرتشت هم چندان روشن نیست.^۵ در منابع زرتشت‌شناخت، تاریخ ولادت وی را از ۱۲۰۰ تا ۶ هزار سال پیش از میلاد مسیح (ع) و هزار سال پیش از میلاد حضرت موسی بن عمران (ع) یاد کرده‌اند.^۶ از جمع و تحلیل تاریخ‌های یادشده درباره ولادت وی می‌توان حدس زد که وی دست‌کم در ۱۴۰۰ تا ۱۷۰۰ پیش از میلاد مسیح زاده شده است.^۷ برخی از محققان برای اثبات ولادت زرتشت در ۶ هزار سال پیش از میلاد مسیح با استفاده از داده‌های زبان‌شناختی، چنین

۱. جمعی از خاورشناسان فرانسوی، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، ص ۵۴.
۲. نام این پیامبر را به صورت زرتشت و زردشت تلفظ و نگارش کرده‌اند. این نام در گذشته به صورت‌های گوناگونی نوشته و تلفظ شده است. در گاهان آن را به صورت «زرتوشتره اسپیتامه» آورده‌اند. برخی این نام را نخستین نام ایرانی در تاریخ جهان شماره‌اند (نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، ص ۲۶). یونانیان آن را «زروآستر» ثبت کرده و گفته‌اند که این نام از واژه آستر یا اِستر به معنای ستاره گرفته شده و مفهوم آن ستاره‌شناس است (آشتیانی، زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، ص ۴۲-۴۳). نیز گفته‌اند که «زروئوشترا» یونانی و به معنای صاحب شتران زرین مو (و یا جسور) است. برای آگاهی فزون‌تر از معانی زرتشت بنگرید: زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، ص ۴۲-۴۴.
۳. بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۱۳۴.
۴. زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، ص ۵۸.
۵. نام پدر زرتشت، «پوروشسپ»، و نام مادر وی که از مردم ری بوده، «دوغدو» بوده است.
۶. علی‌یف، پادشاهی ماد، ترجمه کامیز میربهاء، ص ۵۱. برخی از زرتشت‌شناسان، ولادت زرتشت را حتی به ۶۵۰۰ تا ۶۲۰۰ سال پیش از میلاد رسانده‌اند. بنگرید: ست‌تگاست، آنگاه که زردشت سخن گفت: اصطلاحات فرهنگی و دینی در دوره نوسنگی، ترجمه عسکر بهرامی، ص ۶۸، ۱۳۳-۱۳۵؛ همایون‌فرخ، «پژوهشی درباره عصر زرتشت»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم (۱۳۴۸)، شماره اول (شماره مسلسل نوزدهم)، ص ۱۵۳-۱۵۴. تاریخ زادن زرتشت را به اختلاف و از ۶۰۰۰ تا ۶۳۰ سال پیش از میلاد مسیح یاد کرده‌اند. گفتنی است در هشتصدویست و پنجمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی که در روز سوم، دی ماه، سال ۱۳۹۸ برگزار شد، روز ششم فروردین هر سال به عنوان روز ولادت زرتشت، به تقویم رسمی کشور افزوده شد.
۷. برای آگاهی تفصیلی درباره تاریخ ولادت و حیات زرتشت بنگرید: زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، ص ۷۸-۱۱۲.

زرتشت، کتاب و آیین او ۱۳

استدلال کرده‌اند که زبان گات‌ها، در مرز ۵ هزار سال پیش از میلاد رواج داشته است و براساس اصول زبان‌شناختی، پذیرفتنی است که زرتشت ۶ هزار سال پیش از مسیح می‌زیسته است و باید دست‌کم دو تا سه هزار سال گذشته باشد تا زبانی مانند زبان گات‌ها، دگرگونی یابد و به زبان پارسی هخامنشی تبدیل شود.^۱ زرتشت‌پژوهان امروزی، برخی حدود ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد و شماری هم ۶۳۰ پیش از میلاد را ترجیح داده‌اند^۲ و برخی دیگر اواخر قرن هفتم و نیمه نخست قرن ششم پیش از میلاد را درست دانسته‌اند.^۳ شماری نیز زمانی میان ۱۴۰۰ و ۱۲۰۰^۴ و ذیح بهروز سال ۱۷۶۸^۵ پیش از میلاد را برگزیده‌اند. کسانی هم بر اساس آنچه در ارداویراف‌نامه درباره ظهور زرتشت آمده است، ۶۶۰ پیش از میلاد را سال ولادت زرتشت شماره‌ده‌اند^۶ و برخی بهترین فرضیه را ۶۲۸ پیش از میلاد دانسته‌اند.^۷ نیز گفته‌اند که زرتشت در سال ۵۷۰ قبل از میلاد و در زمان هخامنشیان زاده شده است و کورش همان کسیخرو کیانی و ویشتاسپ پدر داریوش کبیر، همان کی گشتاسپ کیانی است^۸ و...^۹

زادگاه زرتشت را نیز نمی‌توان به قطع بیان داشت؛ زیرا گروهی شمال باختری ایران (ارومیه، آذربایجان،^{۱۰} رغه/ری/رگا^۱)، و شماری، شمال خاوری ایران (بلخ/باختر/بخدی/باکتریا) و

۱. همایون فرخ، «پژوهشی درباره عصر زرتشت»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم (۱۳۴۸)، شماره اول (شماره مسلسل نوزدهم)، ص ۱۵۵.
۲. ست نگاست، آن‌گاه که زردشت سخن گفت: اصطلاحات فرهنگی و دینی در دوره نوسنگی، ترجمه عسکر بهرامی، ص ۶۸.
۳. نیولی، زردشت در تاریخ، ترجمه مهدیه چراغیان، ص ۱۸۱-۱۸۲.
۴. بویس و دیگران، جستاری در فلسفه زرتشت (مجموعه مقالات)، ترجمه سعید زارع و سید سعیدرضا منتظری و نیلوفرالسادات نواب، ص ۱۳.
۵. اوشیدری، دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، ص ۳۳.
۶. زرتشت، سروده‌های زرتشت (گاتاها)، ترجمه بزرگمهر کیانی، ص ۱۶ (مقدمه مترجم).
۷. فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۴۹.
۸. جوان، تاریخ اجتماعی ایرن باستان از آغاز مهاجرت به سرزمین قدیم ایران تا حمله اسکندر مقدونی، غاص ۹۴، ۱۳۴-۱۳۶.
۹. برای آگاهی فزون‌تر درباره زمان زادن زرتشت بنگرید: مهر، دیدی نو از دینی کهن: فلسفه زرتشت، ص ۱۱۵-۱۲۷؛ عطایی فرد، پیامبر آریایی: ریشه‌های ایرانی در کیش‌های جهانی، ص ۴۴۵-۴۴۸.
۱۰. بویس و گرتر، تاریخ کیش زرتشت جلد سوم: پس از اسکندر گجسته، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ص ۱۰۳-۱۰۶.

عده‌ای خوارزم را زادگاه زرتشت دانسته‌اند. کسانی که زرتشت را زاده شمال باختری ایران می‌دانند، معتقدند وی پس از ۵ سال آموزش نزد خردمند مقدس و بزرگ روزگار خویش «فرزین»، در ۲۰ سالگی به خاور ایران هجرت می‌کند و مردم را به کیش خویش می‌خواند. کسانی که زرتشت را زاده و برخاسته از شرق ایران می‌دانند ادعای خود را از جمله بر زبان و ادبیات خراسانی اوستا^۲ مستند ساخته و به شدت با نگرش پیشین مخالفت کرده‌اند.^۳ این گروه بر این باورند که زرتشت از زادگاهش به ناحیه سیستان هجرت کرده و به تبلیغ آیین خود پرداخته است.^۴ شاید کیش زرتشت از این منطقه به سراسر ایران و هند راه یافته است. زرتشت در ۷۷ یا ۷۰ و بنا بر قولی ۴۶ سالگی و در یورش تورانیان به ایران، در آتشکده‌ای در بلخ کشته می‌شود.^۵ باری، زرتشت چهره‌ای تاریخی است، گرچه به یقین نمی‌دانیم کی و کجا زاده شده است؛^۶ همچنان که به تحقیق نمی‌دانیم از کدام هنگام، مردم به کیش زرتشت گرویدند.^۷

در قرآن کریم از زرتشت یاد نشده؛ اما واژه مجوس^۸ در قرآن مجید آمده است. شماری از مفسران در تفسیر آیه ۱۷ سوره مبارک حج، گفته‌اند زرتشت، پیامبری الهی و دارای کتاب آسمانی بوده است، و زرتشتیان در شمار اهل کتاب‌اند.^۹ گروهی دیگر از مفسران، هنگام تفسیر

۱. برای آشنایی با اختلاف نظرها درباره مفهوم ری (رغه) بنگرید: شاهرخ، زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت (فروغ مزدیسنی)، ص ۴۱-۴۲.
۲. جعفری، زرتشت و دین بهی، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۳. برای آگاهی فزون‌تر بنگرید: آشتیانی، زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، ص ۵۰-۵۷.
۴. کریستنسن، کیانیان، ترجمه ذبیح‌الله صفا، ص ۴-۶.
۵. ریپکا و کارکلیما و ایرژی بچکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۳۳-۳۴؛ زرتشت، سروده‌های زرتشت (گاتاها)، ص ۱۶؛ هینلز، ادیان زنده شرق، ترجمه جمعی از مترجمان، ص ۱۶-۱۷؛ تقی‌زاده، مدرک تازه‌ای مربوط به زرتشت، در زندگی و اندیشه زرتشت، ص ۱۱۰۶-۱۰۹؛ معین، آیین آریاییان پیش از ظهور زرتشت، ص ۱۱۲؛ رضایی، تاریخ ادیان جهان، ص ۱۶۸-۱۷۳. درباره کشته شدن زرتشت نظری دیگر نیز هست و آن این است که وی در جنگ با مخالفان خود و کفار و بی‌دینان کشته شد. بنگرید: هوار، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، ص ۱۶۶.
۶. هینلز، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، ص ۱۴۱.
۷. مزداپور و همکاران، ادیان و مذاهب در ایران باستان، ص ۲۶۲؛ برای آگاهی فزون‌تر درباره زادگاه زرتشت بنگرید: عطایی‌فرد، پیامبر آریایی: ریشه‌های ایرانی در کیش‌های جهانی، ص ۴۴۸-۴۵۰.
۸. برخی از غربیان اشاره کرده‌اند که مجوس واژه‌ای یونانی با ریشه فارسی و به معنای ستاره است. بنگرید: هانتزینگر، ایرانیان در کتاب مقدس، ص ۷۳. نسخه دیجیتال.
۹. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۱۱؛ مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴-۴۶؛

آیه جزیه (آیه ۲۹ سوره مبارک توبه)، مجوس را از اهل کتاب دانسته‌اند.^۱ بسیاری از فقیهان شیعه نیز مجوس را اهل کتاب شماره‌انده‌اند.^۲ نقل است که رسول خدا ﷺ درباره زرتشتیان گفته است: «سنوا بهم سنة اهل الکتاب»، یعنی با آنان مانند اهل کتاب رفتار کنید.^۳ از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل است که: «من داناترین مردم به مجوس هستم، دانشی داشته‌اند که آن را آموزش می‌دادند و کتابی داشته‌اند که آن را تعلیم می‌دادند»،^۴ نیز «خداوند برای آنان [مجوس] کتابی فرستاد و پیامبری برانگیخت...».^۵ نیز آن حضرت گفته است: «اینها [ایرانیان] از کفار حربی نیستند؛ بلکه اهل کتاب‌اند و من کتاب دینی ایرانیان را دیده و خوانده‌ام همان‌سان که تورات و انجیل را خوانده‌ام.»^۶ به هر روی، اکثر علمای اسلام، زرتشتیان را اهل کتاب می‌دانند.^۷

زرتشت شخصیتی حقیقی نه افسانه‌ای: گفتنی است که در پاره‌ای از ادبیات زرتشتی، آشکارا زرتشت را پیامبر (اشو= مقدس و صفت یا عنوان پیامبر^۸) خوانده^۹ و آورده‌اند که زرتشت فرّه پیامبری داشت^{۱۰} و از فرشته، پیام دریافت می‌کرد^{۱۱} و خداوند وی را مأمور کرد دیگران را هدایت کند و به نیکی رهنمون شود.^{۱۲} نیز در متون اوستایی معجزه‌ای چند به زرتشت نسبت داده‌اند که از نشانه‌های پیامبری وی است.^{۱۳} دکتر محمد معین درباره زرتشت گفته است: «از

-
۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۷.
 ۲. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۳.
 ۳. بنگرید: واعظی، یادکردهای دینی زرتشت در تفاسیر قرآن کریم، ص ۱۸۰.
 ۴. حر عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، ص ۹۶-۹۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۹، ص ۱۸۹-۱۹۰.
 ۵. السنن الکبری، ج ۹، ص ۱۸۹.
 ۶. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، ص ۹۸.
 ۷. مبلغی آبادی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان: از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام و مذاهب و فرق در اسلام، ج ۱، ص ۳۶۵.
 ۸. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۰.
 ۹. شاهرخ، زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت (فروغ مزدیسنی)، ص ۴۲-۴۳.
 ۱۰. برای نمونه، بنگرید: وجرگرد دینی، بند او ۲. مندرج در اسطوره زندگی زرتشت، ژاله آموزگار-احمد تفضلی، ص ۱۵۹-۱۶۰.
 ۱۱. وجرگرد دینی، همان، بند ۵، ص ۱۶۰.
 ۱۲. همان، بند ۱۲، ص ۱۶۳.
 ۱۳. شهرزادی، زرتشت و آموزش‌های او، ص ۱۸-۱۹، ص ۳۴.
 ۱۴. برای نمونه بنگرید: زراتشت‌نامه، مندرج در اسطوره زندگی زرتشت، ژاله آموزگار-احمد تفضلی،

خواندن آثار منظومی که از وی بر جا مانده است و یا شاگردان نزدیکش که به سبک او سروده‌اند می‌توان یقین دانست که واقعاً مردی به نام زرتشت وجود داشته، منتها دربارهٔ شخصیت او غلو کرده‌اند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت که از نگاه مسلمانان، دیدگاه زرتشت‌پژوهانی چون مولتون^۲ که زرتشت را شخصیتی اساطیری خوانده است^۳ و باستان‌شناسانی مانند فرای^۴ که در وجود تاریخی زرتشت تردید روا داشته،^۵ گزافه است. از حضرت علی (علیه السلام) بازگو شده که دربارهٔ زرتشتیان گفته است: «آنها کتابی داشته‌اند و خداوند پیامبری در میان آنان برانگیخت و در شریعت آن پیامبر، ازدواج با محارم جایز نبود...»^۶

برخی کسان، زرتشت را نه پیامبر، بلکه ریاضی‌دان، منجم و حکیمی شماره‌دهند که با یاری همکاران خود به فعالیت‌های نجومی می‌پرداخته و موفق شده است با بررسی دقیق کهکشان خورشیدی به جای بامداد، نیمه شب را آغاز سال ایرانیان نهد؛^۷ بنابراین، باید دانست که گرچه دانشمندان به‌طور دقیق نمی‌دانند زرتشت چه زمانی و در کجا زیسته است؛ اما اکثر آنان تردید ندارند که زرتشت وجود داشته است؛^۸ و انگهی گروهی هم، زرتشت را بانی فلسفه دانسته و افزوده‌اند که موبد، آذر فرنبغ در «آیین نامگ» خود، «فلسفه‌نامه» ای را به زرتشت نسبت داده است.^۹

گفتار دوم: کتاب زرتشت

کتاب زرتشت، «اوستا» است. اوستا صورت فارسی میانهٔ ابستاگ و احتمالاً به معنای دستور

ص ۱۷۴-۱۷۶؛ شاهرخ، آئینهٔ آئین مزدهیسنی، ص ۳۸-۴۰.

۱. کشاورزی، تاریخ آموزش و پرورش ایران: دورهٔ باستان-دورهٔ میانه-دورهٔ تجدد، ص ۶۳.

2. Molton

۳. کرتیس و استوارت، شاهنشاهی اشکانیان، ترجمهٔ مانی صالح علامه، ص ۱۷۱.

4. Richard Nelson Fry

۵. فرای، میراث باستانی ایران، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، ص ۴۵-۴۶.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳، ص ۴۶.

۷. رضایی، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، ص ۱۴۰.

۸. هینلز، آیین زردشت و پارسیان، ترجمهٔ سعید علی محمدی، ص ۳۵.

۹. اذکائی، حکمت عقلی در ایران، مندرج در ماتیکان فلسفی (بیست گفتار درباره حکمت و عرفان)، ص ۲۱.

است.^۱ این واژه نه در خود اوستا به کار رفته است و نه در هیچ گویش یا نوشتاری دیگر. اوستا کهن‌ترین اثر زبانی ایرانیان، و تنها پیکره ادبی کهن ایران و یگانه میراث ادبی ایرانیان باستان است.^۲ این کتاب از دیرباز مورد توجه اهل فضل بوده است، چنان‌که نویسندگان یونانی در کتاب‌های خود در طول هزار سال (۴۵۰ پیش از میلاد تا ۴۵۰ پس از میلاد) درباره اوستا اطلاعاتی مفید بیان داشته‌اند. برای نمونه، تئوپومپوس^۳ که از مردم خیوس^۴ یونان و هم‌عصر فلیپ و پسرش اسکندر بوده است در کتاب ایزیس^۵ و اوزیریس^۶ درباره مذهب ثنوی پارسیان توضیحاتی آورده است.^۷ ایرانیان این متن مقدس را در دو نسخه به خط باستانی بر دوازده هزار^۸ و به قولی چهارده هزار^۹ جلد پوست گاو حک، و واژگان حک شده را زران‌دود کرده بودند.^{۱۰} در این باره در دینکرد یا دین‌گرت (اعمال و تکالیف دینی) چهارم، چنین آمده است: «دارای دارایان^{۱۱} همه نوشته اوستا (و) زند (را) همان‌گونه (که) زرتشت از هر مزد پذیرفته (بود) به دو نسخه یکی در گنج شایگان و یکی را در دژن‌بشت فرمود نگهداشتن.»^{۱۲} در حمله اسکندر به ایران، هر دو نسخه اوستا از میان رفت^{۱۳} و تنها یک‌سوم آن در سینه‌ها ماند.^۱ روایتی دیگر حاکی

۱. زرشناس، زبان و ادبیات ایران باستان - از ایران چه می‌دانم؟ ۳۳/۹، ص ۲۲. دانستی است که در دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت (ص ۳۵)، معانی لغوی واژه اوستا، بنیاد، اساس، متن اصلی، پناه و باوری دانسته شده است.

۲. زرشناس، میراث ادبی روایی در ایران باستان، ص ۳۰.

3. Theopompus

4. Khios

5. Isis

6. Oziris

۷. جوان، تاریخ اجتماعی ایران باستان از آغاز مهاجرت به سرزمین قدیم ایران تا حمله اسکندر مقدونی، ص ۳۲۲.

۸. حر عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، ص ۹۶-۹۸. گفتنی است که با آنکه نقل نگارش اوستا بر دوازده هزار پوست گاو کمابیش از مشهورات فرهنگ و تمدن زرتشتی است، کسانی هم باور وجود چنین نگارشی را نقد کرده و آن را نادرست انگاشته‌اند. بنگرید: وهمن، «آموزش و پرورش در

ایران باستان»، مندرج در تاریخ جامع ایران، ج ۴، ص ۳۰۶.

۹. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱۰. طبری، تاریخ الطبری المعروف بتاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۰۰.

۱۱. یعنی داریوش سوم.

۱۲. [آذرفرینغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید]، دینکرد چهارم، ص ۶۳.

۱۳. شماری از محققان بر این باورند که اسکندر، نسخه‌ای از اوستا را سوزاند، و نسخه‌ای را با خود به یونان

از آن است که در سمرقند، الواح زرینی وجود داشته است که متن اوستا را با آب زر بر آنها نوشته بودند. این الواح نیز در حمله اسکندر و به فرمان وی در آتش سوختند.^۲ نیز سازوار با گزارشی در دینکرد چهارم، اوستای موجود در گنج شایگان، سوزانده نشد بلکه تحریف شد: «در ستیزی کورکورانه و مستانه، رومیان و دیگران از آن قبیل، نوشته بنیادین را که در گنج شایگان بود با شیوه‌ای مورد ویرایش قرار دادند که (می‌خواستند) تا همان آگاهی مورد نظر را به خواستاران (آن) بنمایند.»^۳ اوستای بزرگ که نسخه‌ای از آن را به یونان بردند، حاوی معارفی در حوزه پزشکی، داروسازی، نجوم،^۴ فلسفه، جغرافیا، تاریخ، اخلاق، آیین کشورداری، مسائل دینی و آیینی بوده است.^۵

-
- برد. بنگرید: بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۳۵۲، پانویشت شماره ۴.
۱. نامه تسر به گشنسپ، تصحیح مجتبی مینوی، ص ۵۴. برخی از محققان در درستی این روایت تردید کرده و آن را نادرست خوانده و در علت این نادرستی گفته‌اند که کل اوستا در زمانی واحد وجود نداشته است و میان زمان تدوین بخش کهن آن که شامل سرودهای گاهان است و دیگر بخش‌های آن که اوستای متأخر را تشکیل می‌دهند، قرن‌ها فاصله بوده است. بنگرید: وهمن، «آموزش و پرورش در ایران باستان»، مندرج در تاریخ جامع ایران، ج ۴، ص ۳۰۶.
 - نکته درخود توجه دیگر آن است که برخی از محققان اشاره کرده‌اند که خط میخی را بر روی چرم نمی‌نوشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر این سخن درست باشد، بی‌گمان نقل کتابت اوستا بر پوست گاو افسانه می‌نماید؛ اما نگارش بر روی پوست، موافقانی هم دارد و در روایات اسلامی هم به آن اشاره شده است؛ این امر به دشواری تصمیم قطعی درباره افسانه یا حقیقت بودن نقل نگارش اوستا بر پوست گاو می‌انجامد. برای آشنایی با نظر موافقان و مخالفان نگارش بر پوست گاو در عصر هخامنشی و خاصه در عصر داریوش کبیر بنگرید: داندامایف، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی (قرن ششم قبل از میلاد)، ترجمه روحی ارباب، ص ۷۴-۸۰.
 ۲. پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، ص ۴۷۱. گیرشمن در اظهارنظری که به خرق اجماع می‌ماند به دفاع از عملکرد اسکندر پرداخته و مدعی شده است: «تحقیقات علمی امروز، این اسطوره را که اسکندر، کتاب مقدس ایرانیان، اوستا را که با آب طلا بر روی هزاران پوست نوشته شده بود، از بین برد، مردود می‌داند و نمی‌پذیرد.» بنگرید: گیرشمن، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمود بهفروزی، ص ۲۶۴.
 ۳. [آذرفرینخ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید]، دینکرد چهارم، ص ۸۵.
 ۴. حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۰ ق.ه) در تاریخ و سفرنامه حزین (ص ۱۹۱) اشاره کرده است که در شهر یزد با منجمی بنام، رستم مجوسی دیدار کردم و «با او صحبت بسیار داشتم و رصدی که اشمرت مجوسی در سه یا چهار هزار سال پیش از این نوشته نزد وی بدیدم، و به نظر اجمالی درآورده قصور و نقص بسیار داشت».
 ۵. قدردان، جستاری در آیین زرتشت، ص ۵۱-۵۲.

بلاش (ولخش/ ولگش) اول، پادشاه اشکانی، گویا نخستین کسی بوده که به گردآوری و احیای جمع پریشان شفاهی و کتبی اوستا پرداخته است.^۱ در دینکرد چهارم در این باره آمده است: «بلاش اشکانی اوستا و زند را همان گونه پاک که نازل شده بود، و نیز آموزه‌های آن را که به علت گزند و خرابکاری اسکندر و غارت و ویرانی یونانیان که در ایرانشهر همه‌گیر شده بود دستور داد بنویسند تا نزد دستوران همه به همین صورت و حالت به امانت بمانند و در کشور این گونه دستور داده شد که برای نگاه داشتن متن، یک نسخه در همه شهرها نگاه داشته شود.»^۲

در دوره ساسانیان، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، اردشیر بابکان، دستور می‌دهد مکتوبات برجای مانده از اوستا و دیگر علوم را که پادشاهان ایران در عصرهای پیشین برای در امان ماندن از یورش اسکندر به هند و چین و عراق فرستاده بودند،^۳ گردآوری و به زبان عصر ترجمه کنند، این کار در عصر شاپور دوم، به انجام رسید و تثبیت شد.^۴

تفسیری از اوستا به زبان پهلوی در دست است که به آن زند گویند. نیز از آنجاکه ره یافتن واژگان آرامی در زند، درک و دریافت آن را دشوار کرده بود، تفسیری به پارسی ساده بر زند نگاشته‌اند که پازند نام گرفت.^۵ درباره شاپور اول ساسانی نیز گفته شده است: «شاپور شاه پسر اردشیر نیز نوشته‌هایی از دین درباره پزشکی، گفتارهایی درباره نجوم و بررسی‌هایی مربوط به زمان و مکان و جوهر (فلسفه) آفرینش، کون و فساد، تغییر و دگرگونی (و اینکه هیچ چیز در طبیعت از بین نمی‌رود و تنها تغییر می‌کند)، فصاحت و بلاغت و دیگر صنایع و مهارت‌ها که در هند و روم و دیگر سرزمین‌ها پراکنده بود گردآوری کرد و با اوستا مطابقت داد. یک نسخه از آنچه را با اوستا مطابقت داشت به گنج شایگان فرمود دادن برای دعوت همه ناراستان به تفکر درباره دین مزدیسنا.»^۶

اوستای دوره ساسانیان، بنا بر روایتی دارای ۲۱ بخش یا پاره یا کتاب و ۸۱۵ فصل بوده

۱. علی‌یف، پادشاهی ماد، ترجمه کامبیز میربهاء، ص ۴۵؛ فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۲۳۰.
۲. [آذرفرینخ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید]، دینکرد چهارم، ص ۶۳.
۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۲۹.
۴. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، ص ۵۱.
۵. مشکور، تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه، ص ۱۵۸.
۶. دینکرد چهارم، ص ۶۴.

است؛^۱ به هر پاره یا کتاب اوستا «نَسک/نُسک = باب» می‌گفته‌اند.^۳ آورده‌اند که یکی از نسک‌های اوستا دربارهٔ تعلیم و تربیت بوده است؛ این بخش اوستا که از میان رفته است^۴ هوسپرم نسک نام داشته و در آن به روش آموزش، صفات آموزگار، وظیفهٔ پدر و مادر و دایه در پرورش فرزند پرداخته شده بوده است.^۵ ویلیام جکسن^۶ (۱۸۶۲-۱۹۳۷ م.) اشاره کرده است که بخش‌هایی از این قسمت گمشدهٔ اوستا، در کتاب وندیداد آمده است؛ از آنهاست: «تربیت را باید مانند زندگانی مهم شمرد و هر کس باید به وسیلهٔ پرورش و فراگرفتن و خواندن و نوشتن خود را به پایگاه ارجمند رساند و با رعایت دستورهای مذهبی و استفاده از پندنامه‌ها، قانون و نظم را محفوظ بدارد».^۷

کهن‌ترین نسخهٔ موجود اوستا متعلق به قرن‌های سیزدهم و چهارم میلادی، و دارای بخش‌های زیر است:

- بخش ۱. یَسنا (ستایش خدایان به معنای عام)، که دارای ۷۲ فصل است که ۱۷ فصل آن گات‌ها^۸ (یا گائها) است و، گویا تنها این ۱۷ فصل از خود زرتشت است.^۹
- بخش ۲. ویسپه رد (ویسپه رته/ همه ردان، همه خداوندان) که پیوست و دنبالهٔ یسنا است.
- بخش ۳. یشت‌ها (دعاها، تقدیس‌ها)، که شامل نیایش در ستایش ایزدان است و بعد از گات‌ها، مهم‌ترین بخش اوستا است.
- بخش ۴. وندیداد (وی دَنَوَدات/ ویدودات = قانون ضد دیوان)، که در بردارندهٔ دستورهای

۱. علی‌یف، پادشاهی ماد، ترجمهٔ کامبیز میربهاء، ص ۴۵.

2. Nosk

۳. دارمستتر، مجموعه قوانین زرتشتی (وندیداد اوستا)، ترجمهٔ موسی جوان، دیپاچه، ص ۹.

۴. عبدالدائم، التریب عبر التاريخ من العصور القديمة حتى أوائل القرن العشرين، ص ۴۴.

۵. صدیق، تاریخ فرهنگ ایران، از آغاز تا زمان حاضر، ص ۵۶-۵۷؛ سامی، تمدن هخامنشی، ج ۱، ص ۲۹۱.

6. William Jackson

۷. تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ص ۵۶-۵۷؛ تمدن هخامنشی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۸. شماری از زرتشت‌پژوهان بنام ایران و جهان، معتقدند گات‌ها از زرتشت نیست. بنگرید: گات‌ها ربطی به زرتشت ندارد، در پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب، به نشانی: <http://www.adyannet.com/ar/node/1515>.

۹. برخی از زرتشت‌شناسان، تنها بخش گات‌ها را از اوستا می‌دانند و بر این باورند که دیگر بخش‌های اوستا که به اوستای متأخر معروف‌اند، از اوستا نیستند، بلکه آثاری اوستایی‌اند. بنگرید: رجیبی، هزاره‌های گمشده، ج ۴، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ اوشیدری، دانشنامهٔ مزدیسنا: واژه‌نامهٔ توضیحی آیین زرتشت، ص ۳۵-۳۶.